قرآن پژوهی در حوزه علمیه خراسان

(قسمت دوم)

محمد حسین مبلغ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادآوری:

سلسله مطالبی که تحت عنوان «قرآن پژوهی درحوزه علیمه خراسان» درفرا دید شما قرار می گیرد، از آغاز قرن سوّم هجری، همزمان با رحل اقامت هشتمین پیشوای شیعیان جهان، حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) دراین خطّه آغاز گردید وتا پایان قرن سوّم در شماره پیشین منتشر شد.

اینک دراین شماره، تلاشهای قرآنی این حوزه را با سبک و شیوه ای که در مقدمه بیان شد، پی می گیریم:

تلاشهای قرآنی دانشمندان شیعی خراسان درقرن چهارم

جهان اسلام، درقرن چهارم هجری، ازنظر علم و دانش به طور کلی از موقعیت ممتازی برخورداربوده است. علما، دانشمندان، تاریخ نگاران، فلاسفه، متکلمان، مترجمان ومفسران قرآن در سراسر دنیای اسلام، در افق علم و ادب آن عصر چون ستاره درخشیده اند.

تفسیر قرآن کریم ونگارش دیگر علوم قرآنی درقرن چهارم، بیش از هرعصر دیگر، رواج یافت و با تلاش مفسران بلند پایه اسلامی، تفسیرهای گوناگونی برای قرآن کریم نوشته شد:

«ابوالحسین علی بن عیسی رمانی، متوفی به ۳۸۴ هـ. که بر فقه و کلام و لغت، مطلع بود، تفسیر پرارزشی بر قرآن نوشت. وقتی به صاحب بن عباد گفتند: آیا تفسیری نمی نویسی؟ پاسخ داد: آیا با وجود تفسیرابن عیسی، چیزی باقیمانده است؟

باز ابوبکر نقاش معتزلی متوفی به سال ۳۸۸، تفسیری در یکصد و بیست مجلّد نگاشت واز آن بزرگتر، تفسیر عبدالسلام قزوینی، استاد معتزلی بغداد، متوفی به سال۳۸۳ هـ بود که کتابش سیصد مجلّد بود که از آن جمله، هفت مجلّد آن در تفسیر سوره حمد بود.

به گفته «سبکی» تفسیر عبدالسلام، هفتصد جلد بوده است.

عبدالله اسدی معتزلی متوفی ۳۸۷ هـ تفسیری برقرآن نوشت که درآن تنها برای «بسمله» ۱۲۰ معنی ذکر شده بود...[1]»

دراین میان، خراسان که از چشمه سار بی نهایت و پرفیض جوار ملکوتی علی ابن موسی الرضا و حوزه علمیه مشهد، این کانون بزرگ فکری و فرهنگی جهان اسلام الهام می گرفت، خود را

به عنوان مرکز بزرگ نشر فرهنگ ومعارف اسلامی، نشان می داد. در تلاشهای قرآنی، فن تفسیرنگاری و نگارش کتابهای علوم قرآن، گامهای مؤثر مهمی برداشته و آثار قرآنی ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته اند.

اینک، تلاشهای قرآنی وپژوهشهای تفسیری انجام شده دراین خطه را در قرن چهارم هجری به ترتیب سابقه تاریخی آن یاد می کنیم، باشد تا یادکرد دستاوردهای قرآنی این گذشتگان صالح دراین حوزه علمیه، مایه دلگرمی و منبع تلاشهای پژوهشی برای نسل جدید گردد.

تفسیر ابن وضاح

این تفسیر، اثری است از ابومنصور صرام ابن وضاح(م: ۳۲۸هـ. ق.) که در نیمه قرن چهارم هجری، نگارش یافته است. ابن وضاح که اسمش در کتابها ومتون ذکر نشده و فقط با کنیه و لقب یاد می شود، از فقها، مفسران و متکلمان نیشابور بوده و نوشته های زیادی، داشته است. بیشترین کتابهای وی در زمینه فقه و تفسیر، نقل شده و در علم کلام نیز، کتابهایی است. ازآن جا که نامش معلوم نیست، تاریخ و زمان دقیق زندگی وی مشخص نشده است.

آقا بزرگ تهرانی در الذریعه می نویسد:

«نام او معلوم نشده است و شیخ طوسی در باب«الکنی» از کتاب فهرست، نام او را آورده ویادآور می شود. که: احمدبن میثم، نوه فضل بن دکین کوفی، حافظ قرآن، ... از او روایت می کند. از ابن جا معلوم می شود او از متولدین اواسط قرن سوّم است وشاید ازنوادگان ابومحمّد عبدالله بن وضاح کوفی، یاو مصاحب ابوبصیر یحیی بن ابوالقاسم اسدی (م: ۱۵۰هـ) مؤلف کتاب«الصلات» باشد که بیشتر احادیث آنرا از ابوبصیر روایت کرده است.[۲]»

سید حسن صدر در مورد نوشته ها و تفسیر وی می نویسد:

«او، نوشته های بسیاری دارد که یکی ازآنها«بیان الدین» دراصول فقه است ودیگر از کتابهای ابومنصوروضاح، کتاب «تفسیر قرآن مجید» وکتاب «ابطال القیاس» است.

شیخ طوسی، گفته است: کتاب تفسیر او، بزرگ و زیبا است. به نظر می رسد او از معاصران شیخ کلینی (م: ۳۲۹ هـ)باشد.[۳]»

ابن شهرآشوب در مورد تفسیر ودیگر آثار وی می نویسد:

«ابومنصور صرام نیشابوری، متکلّم است و کتابهای زیر از اوست.

۱. البیان فی اصول الدین

۲. ابطال القیاس

۳. تفسیرالقرآن، این کتابی است بزرگ و نیکو

۴. زیارة الرّضا(ع)و فضله.[۴]»

سید حسن صدر، پس از یادکرد گفته های شیخ طوسی درکتاب«فهرست»در مورد تفسیر ودیگر آثار تألیف شده ابومنصور صرّام در مورد زمان تقریبی وی چنین اظهارنظر می کند:

«... بنابرآنچه که یادشده ابومنصور صرّام از معاصران مرحوم کلینی بوده و درقرن سوّم وچهارم می زیسته است...[۵]»

تفسیرمنارالحقّ

اثری است از ابوالعباس احمدبن حسن بن علی فلکی طوسی که در تفسیر قرآن کریم نگارش یافته و تاریخ نگارش آن، به طور احتمال، قرن چهارم هجری به نظر می رسد. وی از علمای مشهور طوس در زمان خود و شیعه اثنی عشری و از مدافعان مکتب اهل بیت پیامبر بوده است. او در تفسیر«منارالحق»مجموعه آیاتی را که در شأن اهل بیت نازل شده وبیانگر مناقب آنان است گردآوری کرده است.

وی آثاردیگری نیز درمورد فضیلت اهل بیت پیامبر به رشته تحریر درآورده است.

ابن شهر آشوب می نویسد:

«ابوالعباس، احمدبن الحسن بن علی الفلکی الطوسی، مفسر و کتاب «منارالحق» از آثار اوست که مناقب اهل بیت پیامبردرقرآن، درآن اظهار شده است و کتاب دیگری به نام شرح التهذیب فی الامامة نیز دارد.[۶]»

از نشانه ها پیداست که این تفسیر، تفسیر روایی بوده و انگیزه نگارش آن نیز اظهار فضایل اهل بیت از دیدگاه قرآن کریم بوده است.

تفسیر نزول القرآن فی شأن علیّ(ع)

اثری است از حافظ محمدبن مؤمن نیشابوری که در تفسیر

مجموعه آیاتی که در شأن علی ابن ابیطالب(ع)نازل شده اند، نگارش یافته است.

آقابزرگ، در معرّفی تفسیر یاد شده و نویسنده آن می نویسد:

«تفسیر حافظ محمّدبن مؤمن نیشابوری [کتابی است که]سید ابن طاووس، در کتاب یقین، سه حدیث از آن نقل کرده و گفته: مؤلف یاد آورشده که این تفسیر را از ۱۲ تفسیر دیگر استخراج کرده است.

نگارنده[آقابزرگ]می گوید: پس از این بیان خواهیم کرد که شیخ منتجب الدین می گوید: کتابی است به نام«نزول القرآن فی شأن علیّ(ع)که اثر شیخ محمّد مؤمن شیرازی است. ظاهراین است که آن کتاب، اثر حافظ، محمّدبن مؤمن نیشابوری است[نه شیخ مؤمن شیرازی] واین همان تفسیر مورد نظر است.[۷]»

برای تفسیر یادشده و نویسنده آن، جز منبع یاد شده، منبع دیگری که بیانگر شخصیّت، تاریخ زندگی مؤلف و تاریخ نگارش کتاب باشد، یافت نشده و در الذریعه نیز، به تاریخ نگارش آن هیچ اشاره‌ای نشده است. ولی احتمال می رود که تفسیر یادشده، درقرن چهارم هجری قمری، نگارش یافته باشد. زیرا الذریعه نقل می کند که سید ابن طاووس ازآن تفسیر سه روایت نقل کرده است. بنابراین، تفسیر یادشده، قبل از عصر سیّد ابن طاووس نگارش یافته است.

از قراین پیداست که آن تفسیر روایی بوده و به قصد دفاع از مکتب اهل بیت پیامبر(ص) و اظهار فضایل و شخصیت والای علی ابن ابیطالب(ع)نگارش یافته است.

التلخیص و التلخص فی التفسیر

اثری است بر تفسیر قرآن کریم از ابوالحسین بن محمّدبن بحررهنی المتکلّم که به زبان عربی نگارش یافته است.

ابوالحسین بن بحررهنی، دریکی از نواحی کرمان به دنیا آمده و درطوس و دیگر نواحی خراسان زندگی کرده و مدارج علمی خود را نیز دراین نواحی، پیموده است.

وی مدافع سرسخت علی(ع) و خاندان پیامبر(ص) بوده و در جهت دفاع از حقوق حضرت علی(ع)وجانبداری از مکتب اهل بیت، از سوی مجامع سیاسی آن روز متهم به غلوّ گردیده بود.

ابوالحسن رهنی، در علم و فضل، سرآمد زمان خویش بوده و در علم کلام، تبحر کامل داشته است. وی از مراجع بزرگ مناظره و گفت وگو، با فرقه های گوناگون اهل کلام بوده و عقاید انحرافی نحله های منحرف متکلمان را با استدلال، ردّ می کرد.

آشنایی و تبحّر وی در علم کلام، درحدی بوده که به وی لقب متکلّم داده شده بود. وی نویسنده توانایی بوده که در حدود ۵۰۰ کتاب به وی نسبت داده شده است.

ابن شهرآشوب، در مورد وی می نویسد:

«ابوالحسین محمّدبن بحرالرهنی المتکلم، متهم به غلوّ بوده و بیش از پانصد کتاب و رساله و تصنیف دارد وهمه کتابهای وی در خراسان موجود است و کتابهای زیر از نوشته های اوست:

الفرق بین الآل و الامه، البرهان السدید من عون العدید، الطلاق، المبسوط فی الصّلاة، التکلیف و التوظیف، اثبات الامامه، الردّ علی من انکر الاثنی عشر و معجزاتهم، والحجّة فی ابطا القائم علیه السّلام، مجلس الرّهنی، المساواة والمقابلة، التلخیص و التلخّص فی التفسیر، المثل و السیر و الخراج، القواعد، مرجع البها و روض الضیاء، المناسک.[۸]»

کتاب تفسیر وی، درمیان دیگر آثار وی، می درخشد. دراین تفسیر با استفاده درست از آیات الهی، با عقاید انحرافی متکلمان، که برای توجیه عقاید کلامی شان، از قرآن استفاده ناروا کرده اند، به مبارزه برخاسته است.

گرچه از تفسیر وی، جز این که شرح حال نگاران در کتابهای رجال و تراجم، یاد می کنند، اثری دیده نمی شود، از این روی ازچگونگی نگارش، حجم ودیگر اوصاف آن اطلاعی دردست نیست، ونیز تاریخ تولد و وفات مفسر همچنان پوشیده مانده است. ولی به طور احتمال می توان گفت: وی از علمای اخیر قرن چهارم هجری بوده واین تفسیر، در آن قرن نگارش یافته است.

تحول تفسیر نگاری شیعیان خراسان

با توجه به جنب و جوش علمی وفرهنگی که با دفن علی ابن موسی الرّضا(ع)در خراسان و توجه علما به این سرزمین به وجود آمد، قرن پنجم هجری، شاهد شکوفایی علوم اسلامی در

زوایای گوناگون وبالندگی تفسیر، بویژه توسط علما، اندیشمندان و محققان خراسان بود.

از سوی مغولان ویرانی مدارس و زندانی کردن ویا اعدام علمای شیعه این سامان، بر خلاف این که به طور پی درپی و مکرر صورت می گرفت، بازهم تاریخ، گویای رشد بی مانند تلاشهای قرآنی و تفسیرنگاری دراین دیار است و تردیدی نیست که این پویایی و جهش قرآنی ازآثار پربار و پیکرمطهر حضرت علی بن موسی الرضا(ع)و حوزه های علمیه ای است که درجوار ملکوتی وی بنیان نهاده شدند.

واینک تفاسیری را که از قرن ۵ ازاین علما به دست مارسیده یاد می کنیم، تا دانسته شود که آنان درآن زمان، با آن همه خفقان ، چه زحماتی را برای احیای فرهنگ اسلامی و قرآن و مکتب تشیع متحمل شده اند.

التبیان فی تفسیر القرآن

این کتاب که از بزرگ‌ترین آثار فرهنگ اسلامی است، درنیمه اوّل قرن پنجم هجری قمری، به قلم نیرومند شیخ الطایفه، ابوجعفرمحمّدبن حسن طوسی، نگارش یافته و بعد از گذراندن مراحل گوناگون، اکنون در ده جلد در قطع وزیری، چاپ و در دسترس محققان قرار دارد.

زندگی مفسر

محمّدبن حسن طوسی، معروف به شیخ الطائفه و شیخ طوسی به سال۳۸۵ هـ. ق در شهر تاریخی و علمی طوس، دیده به جهان گشود همان جا بالید و رشد کرد، وی علوم مقدماتی و سطوح عالیه فقه و اصول و تفسیر و حدیث و غیره را از استادان زمان خود، در زادگاه خویش و نواحی فرهنگی مجاور آن، چون مشهد الرّضا، فراگرفت.

شیخ درسال۴۰۸ هـ. ق به عراق هجرت کرد و پنج سال در بغداد، نزد پیشوای بزرگ علمی جهان تشیع، شیخ مفید، به تحصیل و تکمیل معلومات خود پرداخت و دراین مدّت از دیگر استادان نیز بهره می گرفت و پس از رحلت شیخ مفید، در سال۴۱۳ هجری نیز حدود بیست و سه سال از محضر سید مرتضی و دیگران، بهره های فراوانی برد و بالاخره دوازده سال کرسی درس وپیشوای علمی بغداد را به دست گرفت ...

وسپس در فتنه ددمنشانه «طغرل» نخستین حاکم سفاك سلجوقی، پس از ضربه های شدید فکری و روحی و از دست دادن کتابخانه عظیم شخصی خود، رهسپار نجف گردید و حوزه علوم اسلامی را درآن شهر بنیاد نهاد ودوازده سال آخر عمر پرثمر خود را درآن دیار به تألیف و تصنیف و تدریس گذراند و بالاخره به سال ۴۶۰ هـ. ق. رخت از جهان بربست.[۹]

سبک نگارش تفسیر تبیان

شیخ طوسی، نخست یک آیه از سوره مورد تفسیر را یاد می کند و بحث «قراءت» را متعرض می شود و آراء گوناگون قاریان را عنوان می کند و رأی مشهور را می پسندد. سپس مسائل نحوی واعراب کلمات را بررسی می کند وآن گاه به توضیح و ریشه یابی لغوی کلمات می پردازد. درآخرین مجال به بحث تفسیر و بیان مقصود آیه، شتافته و مفاد آیه را از جنبه های گوناگون نقلی و عقلی، بررسی می کند.

شیخ برای نخستین بار در تفسیر قرآن به نقل و نقد و تحلیل جدی آراء و روایات براساس اصول متقن علمی، روی می آورد و تفسیر را ازنقل وگزارش اقوال و روایات بیرون می کند ونیز برای نخستین بار در شیوه تفسیری شیخ، نگرش عقلانی برای ارزیابی اقوال و روایات، به میدان می آید و جای طبیعی خود را می گشاید.

شیخ در مقدمه تفسیر خود، دربارهٔ روش برگزیده اش، چنین می گوید:

«درتفسیر آیات، نگاه تفصیلی، به آیه ای که ظاهر آن از مراد، حکایت نمی کند، شایسته نیست و نیز تقلید از مفسران روانیست، بلکه باید قولی را برگزید که مورد اجماع مفسران باشد وبه واسطه اجماع، پیروی ازآن لازم گردد. زیرا برخی ازمفسران دارای شیوه مطلوب بودند، همانند ابن عباس، مجاهد و ... وبرخی دیگر از شیوه ناپسندیده پی پروی کردند، مانند: سدی و کلبی و... این در طبقه نخستین و امّا متأخران، هرکدام روش خود را مورد تأیید قرار داده و آیات را برآن اساس، تأویل کرده اند. که تقلید هیچ کدام از آنان روا نیست.

بلکه شایسته آن است که به ادله صحیح شرعی و نقلی مراجعه شود، از قبیل اجماع و روایت متواتر که پیروی ازآنها لازم است. خبرواحد، پذیرفتنی نیست، بویژه اگر طریق آن علم باشد. وهرگاه تأویل آیه‌ای، نیازمند به گواهی لغت باشد، لغتی را باید پذیرفت که میان اهل لغت شایع باشد، ولی خبرواحد الفاظ نادر که نمی‌توان به آن قطع حاصل کرد، نباید شاهد کتاب خداوند، قرار گیرد.[10]»

جایگاه تفسیر «تبیان» از دید محققان

شیخ طبرسی مفسربزرگ شیعی درباره «تبیان» می نویسد:

«تبیان کتابی است که نور حقّ ازآن می درخشد وبوی راستی از آن می تراود. در برگیرنده معانی و اسرار بی همتا و شامل ادبیات وسیعی است. مولّف آن به نگارش مطالب، بدون روشنگری و تبیین وبه آراستن مباحث، بدون تحقیق و ژرف اندیشی، قانع نمی شود. تبیان، راهنمایی است که من از پرتو انوار آن بهره می گیرم وبه شیوه آن دراین کتاب، گام می نهم وقلم می‌زنم.[11]»

علامه سید مهدی بحرالعلوم می نویسد:

«درعلم تفسیر «تبیان» را نگاشته است. تبیان درمیان تفاسیر، کتابی است گرانقدر، بزرگ و بی همتا، به گونه ای که شیخ طبرسی، که پیشوای مفسران شناخته شده است، از چشمه سار آن بهره گرفته وبدان اعتراف کرده است ودانشمند محقق مدقق محمّدبن ادریس، با همه مخالفتهایی که با دیدگاههای شیخ در بیشتر تألیفات او دارد، درباره «تبیان» تأمل می کند و به جایگاه والا و استحکام بنیان مطالب و مباحث آن اعتراف می کند.[12]»

دیگر آثار تفسیری شیخ طوسی:

شیخ طوسی، غیر از تفسیر «تبیان» که به طور اجمال معرفی شد، دوآثار تفسیری دیگر نیز درمیان مجموعه آثارش به چشم می خورد:

الف. المسائل الدمشقیّه فی تفسیر القرآن. این دوازده مسأله در تفسیر قرآن کریم است.

ب. المسائل الرجبیه، فی تفسیر آی من القرآن.

این دوآثار تفسیری وی، دیده نشد تا به طور دقیق تر، معرفی گردد.

التیسیر فی التّفسیر

اثری است بر تفسیر قرآن کریم که به قلم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک بن طلحه نیشابوری، ملقب به زین الاسلام(۳۷۶-۴۶۵ هـ. ق)نگارش یافته است.

عبدالکریم بن هوازن قشیری که محل تولد، اقامت ورشد علمی وی در نیشابور، یاد شده است، از پارسایان وبه قولی از مشایخ صوفیه واز دانشمندان بزرگ تشیع و درزمان خود از پیشوایان بزرگ مردم خراسان بود.

وی، به جز تفسیر یادشده، دارای آثار کتبی فراوانی است که بیشترین آثار وی، موجود است وازمیان مجموعه آثار وی، تفسیر و مباحث علوم قرآن، بیشترین نوشته های ویرا تشکیل می دهند.

آثار تفسیری وی به شرح زیر است:

۱. التیسیر فی التفسیر. این کتاب تفسیری است بسیاربزرگ وهنوز به صورت خطی باقیمانده است.

۲. رساله در معنی سبحه. این کتاب، خلاصه اقوال و بیانات وی در رابطه با تسبیح الهی و آیات دلالت کننده بر تسبیح است که توسط شاگردان وی، به رشته تحریر کشیده شده است. این رساله خطی است که نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (بخش مخطوطات) موجود است ونگارنده در جای خودش معرفی کرده است.

۳. الرسالة القشیریه، این کتاب نیز در طی چند جلد نگارش یافته که به نقل دهخدا، جلد اوّل آن، در مورد تفسیر قرآن کریم است وهمه مجلّدات آن هنوز به صورت خطی باقیمانده است.

کتابهای غیرتفسیری زیادی نیز به وی منصوب است.

دهخدا، در مورد عبدالکریم بن هوازن، قشیری می نویسد:

«عبدالکریم هوازن بن عبدالملک بن طلحة نیشابوری از بنی قشیربن کعب، مکنی به ابوالقاسم و ملقب به زین الاسلام از پارسایان ودانشمندان بزرگ دینی و در دوران خود، پیشوای مردم خراسان بود. وی در نیشابور اقامت داشت و درهمان شهر وفات یافت. (تولد ۳۷۶ هـ وفات ۴۶۵) سلطان آلپ ارسلان او را بسیار احترام واکرام می کرد.

از تألیفات اوست:

۱. التیسیر فی التفسیر، خطی این کتاب را تفسیر کبیر نیز گویند.
۲. لطایف الاشارات خطی، جلد یکم این کتاب نیز در تفسیر است.
۳. الرسالة القشیریه، چاپی(طبقات السبکی و اعلام زرکلی چاپ دوّم، جلد ۴، ص ۱۸۰)

وی از مشایخ خطیب بغدادی ودامـاد ابوعلی دقـاق بوده و علوم باطنی را از او اخذ کرده است.

از دیگر کـتابهـای وی، کتـاب«الضـعفـا و المتروکـین فی رواة الحدیث» و کتاب «لطایف الاشارات» وکتاب «مختصر المحصل» و کتاب «المنتخب فی الحدیث» و کتاب «المؤتلف و المختلف» است.[۱۳]

(ریحانة الادب، ج۳/ ۳۰۰)

محسن حسینی عـاملی در مقدمـه تفسیر جامع البیان، به نقل از شیخ اسدالله تستری، درکتاب«مقابیس» امام ابوالفتح بن عبدالکریم بن هوازن قشیری را یکی از مشایخ روائی امین الدّین فضل بن حسن طبرسی می داند و می نویسد:

«شیخ اسدالله تستری ازجماعتی روایت کرده است که علمای زیر از مشایخ روایی شیخ ابوعلی طبرسی هستند... شیخ امام السعید الزاهد، ابوالفتح عبدالله بن عبدالکریم بن هوازن شیرازی یکی از آنان است که شیخ طبرسی، صحیفه معروف به صحیفة الرّضا را از او روایت کرده است...[۱۴]»

تفسیر البسیط

اثری است از مفسر عالیقدر، ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری (م: ۴۶۸هـ) که در ۱۶ جلد به زبان عربی نگارش یافته است.

آقابزرگ تهرانی در تولد و وفات وی، به نقل از دیگر آثار تراجم و رجال می نویسد:

«در شذرات آمده است که وی فرزند یکی از تاجران«ساوه» بوده و خود در شهر نیشابور دیده به جهان گشوده است و بعد از یک مرض طولانی درهمان نیشابور در سال ۴۶۸هـ. ق دارفانی را وداع کرده است.[۱۵]»

ازآنچه کـه یاد شـد، به خوبی به دست می آید کـه رشـد ونما وسراسر زندگی و تحصیلات وی درخراسان بوده وتفسیر ودیگر آثار علمی خود را نیز دراین دیار سرشار از دانش و معرفت رضوی، به رشته تحریر درآورده است.

تفسیر وی به نام بسیط بنابرآنچه کـه در «شـذرات» آمـده، در شانزده جلد تألیف شده است.

تفسیر وسیط

یکی دیگر از آثار تفسیری وی، تفسیر وسیط است. این تفسیر نیز چنانکه صاحب الذریعه از شذرات نقل کرده، در طی چهار جلد نگارش یافته است.

تفسیر وجیز

این تفسیر نیز از آثار ابوالحسن علی بن احمد نیشابوری واحدی است که در یک جلد به رشته تحریر درآمده است. نامبرده، کتابهای دیگری نیزدر تفسیر و اسباب نزول علوم قرآنی تألیف کرده است که اسامی آنها به طور دقیق معلوم نیست.

بنابرآنچه که بیان شـد، وی آثار فراوانی در زمینه تفسیر و علوم قرآنی ازخود به یادگار گذاشته است آقابزرگ می نویسد:

«تفسیر وسیط، اثرمفسر، امام ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشـابوری (م: ۴۶۸هـ. ق) است، چنانکه در کشف الظنون و ترجمه مرآت الجنان آمده است واین مطلب در شذرات نیز آمده و در آن جا گفته است: واحدی، بسیط را در شانزده جلد تألیف کرده و «وسیط» را در چهار جلد و «وجیز» را دریک جلد و غزالی نامهای یادشـده را از واحدی آموخته است. کتابهای یادشـده در تفسیر است و او کـتابی دارد دراسباب نزول و کـتابی دارد به نام«نفی التحریف عن القرآن الکریم» و کـتاب دیگری دارد به نام«الدعوات»

«این تفسیر ازعبدالغافر نیشابوری شاگرد واحدی، در ذیل تاریخ حاکم نیشـابور نقل شـده ودرمعجم الادبا در ذکـر تاریخ، آثار و تصنیـفات او مبالغه شـده و گفته است وی سه تفسیردارد، «البسیط» و «الوسیط» و «الوجیز» ودوکتاب قرآنی دیگر، به نام کتاب«اسباب نزول القرآن» و کتاب «تفسیر النبی» نیز از وی به یادگار مانده است...[۱۶]»

ازآنچه که بیان شد، به خوبی به دست می آید که ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری، آثار تفسیری فراوانی داشته و گذشته از آن، در زمینه اسباب نزول ودیگر علوم قرآنی هم، کتابهایی داشته است. این خود نشان دهنده این واقعیت است که دانشمندان برجسته ای مانند وی، در ناحیه خراسان وجوار اقدس حضرت علی بن موسی الرضا، درزمینه تلاشهای قرآنی، گامهای مؤثر و و در خور ستایشی را بر می داشته اند.

اسباب النزول واحدی

همچنانکه به نقل از کتاب«الذریعه» یاد شد، درمیان آثار ابوالحسن علی بن احمد واحدی، کتاب«اسباب النزول القرآن» نیز به چشم می خورد. کتاب اسباب النزول واحدی، وامروز در دسترس همه پژوهشیان قرآن، قرار دارد. این کتاب در نوع خود از امتیازات ویژه ای برخوردار است[17].

تاج التراجم یا تفسیر اسفراینی(قرن پنجم هجری قمری)

این تفسیر، اثری است از امام عماد الدین ابوالمظفر شاهپور اسفراینی متوفی به سال (۴۷۱ هـ. ق) که به زبان فارسی، نگارش یافته است.

«این کتاب به قصد ایراد معادل برای لغات و ترکیبات قرآن معمولاً مفردات و ترکیباتی، از زبان فارسی را ذکر نموده است که بعداً فراموش یا ازمیان رفته است و جز از راه داشتن مصادیق عربی درك آن دشوار یا مورد تردید و تأمل می باشد.»[18]

درهرصورت، آنچه که این نویسنده پرهمّت، انجام داده است، خود یک تلاش زایدالوصف برای تفسیر و فهماندن قرآن کریم بوده است. که این مفسر، از منبع فیض رضوی (حوزه علمیه مشهد)بهره گرفته است.

پی نوشتها:

۱. عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه(چاپ ۱۳۷۱ هـ. ش)ج۱، ص ۵۶۵.

۲. آقابزرگ تهرانی، الذریعه(دارالاضواء)ج ۴، ص ۲۴۹، شماره ۱۱۹۸.

۳. سیدحسن صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام و انتشارات اعلمی، ص ۳۳۳.

۴. ابوجعفرین شهرآشوب، معالم العلما، انتشارات عباس اقبال، (۱۳۵۳ هـ. ق)ص ۱۲۷.

۵. سیدحسن صدر، تأسیس الشیعه... ص ۳۳۳.

۶. ابن شهرآشوب، معالم العلما، ص ۱۹.

۷. آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ص ۳۱۳.

۸. ابن شهرآشوب، معالم العلما، ص ۸۶.

۹. مضمون زندگینامه، از مجله حوزه سال چهارم شماره ۱۹، ص ۷۲ اقتباس شده است.

۱۰. شیخ طوسی، تفسیر تبیان (مکتب الاعلام الاسلامی ۱۴۰۹ هـ. ق) ج/۱/ص۶.

۱۱. فضل ابن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان (انتشارات ناصرخسرو، چاپخانه آرمان)ج۱/ ص ۱۰.

۱۲. سید بحرالعلوم، الفوائد الرجالیه(تهران منشورات مکتبة الصادق)ج ۳، ص ۲۲۸.

۱۳. علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۱۱، ص ۵۵۱۹) حرف ق

۱۴. محسن حسینی عاملی، مقدمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱/ ص ۵۲.

۱۵. آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۴/ص ۲۶۴.

۱۶. مدرك پیشین.

۱۷. ر.ك: فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره۲/ ۱۲۶.

۱۸. آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ج۴/ ۳۱۹.